

تاریخ

حسین سعادت نوری

رکن الدوله‌ها

میرزا محمد خان دولو بیکلر بیکی طهران، علی نقی میرزا پسر فتح علی شاه، اردشیر میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه، محمد تقی میرزا برادر صلیبی ناصر الدین شاه، علی نقی میرزا پسر محمد تقی میرزا، محمد علی میرزا رکنی برادر علی نقی میرزا

* * *

اولین کسی که در دوره قاجاریه رکن الدوله لقب گرفت میرزا محمد خان دولو بیکلر بیکی طهران پدر اللهیار خان آصف الدوله بود. عباس میرزا نایب السلطنه دختر میرزا محمد خان را به زوجیت داشت و از این ازدواج پسری قدم بعرضه وجود نهاد که به منظور احیای اسم سردودمان قاجاریه محمد میرزا نامیده شد. این پسر همان محمد شاه است که چهارده سال و سه ماه سلطنت کرد و در ۱۲۶۴ ه. ق به سرای باقی شتافت و مورخین دوره قاجاریه او را «غازی» لقب داده اند.

پس از فوت کریم خان زند که آقامحمد خان برای احراز تاج و تخت ایران به تلاش و تکاپو افتاد عده‌ای از رؤسای سرشناس قاجاریه مخصوصاً افراد قبیله دولو با او به مخالفت برخاستند و میرزا محمد خان دولو را برای سلطنت از آخته‌خان که از طایفه قوآنلو بود مناسب‌تر و شایسته‌تر میدانستند. اما میرزا محمد خان یا بواسطه عدم حس جاه طلبی یا به علل و جهات دیگر به جلب موافقت افراد متنفذ طایفه دولو پرداخت و به کمک آقامحمد خان شتافت و ظاهراً به همین مناسبت است که اعقاب بیکلر بیکی لقب «تاج بخش» را به عنوان نام خانوادگی انتخاب کرده اند.

آقامحمد خان به منظور حق شناسی و به پاس مساعدت‌های ذیقیمت بیکلر بیکی به فتحعلیشاه توصیه کرد که با خانواده میرزا محمد خان دولو موصلت نماید تا قاجارهای دولو و قوآنلو صمیمانه با یکدیگر متحد شوند و اساس و پایه سلطنت او و اعقابش نیز ثابت و برقرار بماند. ازدواج عباس میرزا با دختر بیکلر بیکی به همین مناسبت بود و علاوه بر این خود فتحعلیشاه نیز با یکی دیگر از دخترهای وی مزاجت کرد و در ضمن دودختر دیگر او را هم به ترتیب به حباله نکاح شیخ علی میرزا شیخ الملوك و محمد رضامیرزا پسرهای خود درآورد.

در مواقعی که آقا محمد خان از طهران به مسافرت میرفت حکومت پای تخت به میرزا محمد خان دولو واگذار میگردید و به همین سبب او را بیکر بیکی می‌گفتند. پس از این که لطفعلی خان زند گرفتار و به حکم آقا محمد خان به طهران فرستاده شد «به میرزا محمد خان دولو به قتلش اشارت رفت و در امامزاده زید به خاکش سپردند» (برای اطلاع بیشتر از شرح حالات میرزا محمد خان دولو و اعقاب او رجوع کنید به سلسله مقالات این جانب تحت عنوان «آصف الدوله‌ها» مندرج در ص ۳۷۹ سال ۱۵ مجله یغما)

* * *

دومین رکن الدوله دوره قاجاریه علی نقی میرزا پسر هشتم فتحعلی شاه و برادر اعیانی امام وزدی میرزا متخلص به داور و ابراهیم میرزا میباشد. علی نقی میرزا چون از بطن بیگم جان خانم دختر حاج صادق قزوینی بود خاقان او را به حکمرانی قزوین منصوب کرد. در ۱۲۳۴ که میرزا شفیع صدراعظم مازندرانی اصفهانی الاصل در قزوین وفات یافت علی نقی میرزا حاکم این شهرستان بود و جنازه صدراعظم را به سلطانیه و از آن جا به عتبات عالیات فرستاد. علی نقی میرزا در ۱۲۳۸ پس از بروز اختلاف میان حسن علی میرزا شجاع السلطنه والی خراسان و خوانین آن سامان بالقب «حجة السلطان» مأمور مشهد مقدس شد. چون علی نقی میرزا مردی راحت طلب و آسایش دوست بود و در قزوین جز کیمیاگری سرگرمی دیگری نداشت در خراسان کاری از پیش نبرد و دولتخواهان آنجا از او به خاقان شکایت کردند. یکی از قضایای مشهد مقدس صراحتاً به فتحعلیشاه نوشت که حجة السلطان در مملکت خراسان خالی از وجه آمده است.

دوره مأموریت علی نقی میرزا دیری نپائید و در ۱۲۳۹ به رکن الدوله ملقب و مجدداً به حکمرانی قزوین منصوب گردید. وزیر و پیشکار علی نقی میرزا رکن الدوله میرزا نبی خان امیر دیوان قزوینی مازندرانی الاصل پدر حاج میرزا حسین خان سپهسالار بود. میرزا نبی خان در سلطنت محمدشاه و اوایل ناصرالدین شاه مصدر مشاغل مهم و معتبری شد و یک چند نیز وزارت عدلیه و امارت دیوان را به عهده داشت.

در ۱۲۵۰ که فتح علی شاه به قصد سرکشی فارس از طهران به اصفهان حرکت کرد علی نقی میرزا رکن الدوله از همراهان او بود. خاقان در ۱۹ جمادی الثانی همان سال در عمارت هفت دست سعادت آباد اصفهان چشم از جهان فروپوشید و علی نقی میرزا رکن الدوله به اتفاق جمعی از رجال و اعیان درباری جنازه پدر را از راه نظنز و کاشان به قم برد و پس از طواف در حریم مطهر حضرت فاطمه المعصومه علیها سلام در آرامگاهی که از پیش در آن جا آماده شده بود به خاک سپرد.

خبیر فوت خاقان به طهران رسید علی خان ظل سلطان مدعی برادر زاده شد ولی از عملیات مذبحخانه خود نتیجه‌ای نگرفت و محمدشاه به پشتیبانی روسیه تزاری و به

حسن تدبیر میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی تکیه بر اریکه سلطنت زد و مخالفان را یکی بعد از دیگری مطیع و منقاد ساخت. رکن الدوله چون در موقع قیام ظل السلطان جانب او را گرفته بود روز چهارشنبه چهارم ربیع الاول ۱۲۵۱ به حکم محمدشاه دستگیر و به اتفاق حسن علی میرزا شجاع السلطنه و محمد تقی میرزا حسام السلطنه و امام وردی میرزا کشیکچی باشی و شیخ علی میرزا شیخ الملوک و چند تن دیگر به قلعه اردبیل فرستاده شد. سه سال بعد رکن الدوله و پسرش نصرالله میرزا همراه با ظل السلطان و امام وردی میرزا چهار نفری در اواخر ربیع الثانی ۱۲۵۴ از قلعه اردبیل گریخته و به دولت روسیه تزاری پناهنده شدند.

دولت روسیه در صدد برآمد که شاهزادگان فراری را با ماهیانه مکفی در قرا باغ یا ورشو منزل دهد ولی شاهزادگان توقعات دیگری داشتند که مورد قبول امپراطور قرار نگرفت. این واقعه مصادف بود با محاصره هرات از طرف محمدشاه و مقارن با مسافرت نیکلای اول به ایروان و چون در این اوان مقامات سن پترزبورغ بنا به مقتضیات سیاسی از دولت ایران پشتیبانی میکردند موافقت با تقاضاهای غیر موجه فراریان معقول بنظر نمی آمد. در این گیرودار گوهر آغا دختر ابراهیم خان شیشه که خواهرش آغا باجی یکی از زندهای فتحعلیشاه بود او و به همین مناسبت خود را خاله همه فرزندان خاقان میدانست به کمک شاهزاده‌های ایرانی شتافت. بانوی نامبرده مبلغ هفت هزار تومان که با توجه به ارزش پول در آن زمان قلم درشت و کلانی بود در اختیار آنان نهاد و شاهزادگان فراری از روسیه به ارزنة الروم و از آن جا به اسلامبول و سپس به سرزمین فراعنه رفتند. رکن الدوله و همراهان چندی بعد به کمک و معاضدت محمدعلی پاشا خدیو مصر به مکه معظمه مشرف و سرانجام به کربلا و کاظمین روانه گردیدند و تا پایان عمر در آن جا مجاور و آلت دست استعمار طلبان انگلیسی شدند.

رکن الدوله سوم اردشیر میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه است که هنگام فوت خاقان حاکم گروس و صائین قلعه (شاهین دژ) بود. پس از ورود اردوی محمدشاه به خرم دره رکن الدوله با فوج گروس به حضور برادر تاجدار باریافت و اظهار اطاعت و فرمان برداری کرد. اردشیر میرزا در رکاب شاه به طهران رفت و از آنجا مأمور نظم مازندران و استرآباد شد و به دریافت خلعتی که عبارت از اسبی با زین زرین و خنجر جری مرصع به جواهر تمین بود نایل آمد. اردشیر میرزا به بسطام رفت و اسمعیل میرزا را که از دیر باز با عباس میرزا نایب السلطنه مخالف بود و در خفا با حسن علی میرزا شجاع السلطنه زدوبند و مواضع داشت دستگیر و تحت الحفظ به طهران روانه کرد.

اردشیر میرزا از بسطام به استرآباد رفت و غایله ترکانان فتنه جو را مرتفع ساخت. خبر این فتح که به محمدشاه رسید «آقا اسمعیل پیشخدمت که از پروردگان نایب السلطنه مغفور

و از خاصان شهر بارمنصور بود مأمور شد که به مازندران رفته خلّاع آفتاب شعاع خسروانی را زیپ‌برو دوش افتخارنواب امیرزاده نامدار حکمران مازندران که در قمع ارباب جهالت و دفع احزاب ضلالت چنین رنجی برده و وقتی کرده نماید و بعد از ورود به مقصود يك دست خلعت عالی و يك قبضه شمشیر مرصع به جواهر ولالی و نشان خاصه شیر و خورشید تمام الماس از مرتبه دوم سرتیپی با حمایل افتخار سرخ مخصوص دولت ظفر مأنوس را به امیرزاده آزاد موصول دارد .

اردشیر میرزا در اواخر ربیع الاول ۱۲۶۵ والی لرستان و خوزستان شد و در این مأموریت سلیمان خان سهام الدوله برادرزاده منوچهر خان معتمد الدوله گرجی امارت لشکر و فرماندهی قوای نظامی نواحی نامبرده را عهده دار بود . اردشیر میرزا در ۱۲۶۸ معزول و چندی بعد به حکمرانی طهران منصوب گردید و در ۱۲۷۳ به رکن الدوله ملقب و والی آذربایجان شد و در ۱۲۷۶ به گیلان رفت و در حدود يك سال دوره حکمرانی او بطول انجامید رکن الدوله طبع شعر داشت و تخلص او آگاه بود و رضاقلی خان هدایت منتخبات اشعار او را در مجمع الفصحا ضبط کرده است . مؤلف تاریخ تبریز میگوید : « اردشیر میرزا رکن الدوله به روزگار پدر نیز به میان کار و به همه خصایل ستوده آراسته بود و در فنون عربیت به ویژه بشناسایی شمردی طولی داشت و آداب حکمرانی و لشکر کشی نیز نیکو میدانست مگر آن که به شرب باده و لعی تمام داشت . سالی چند از عمر او مانده چنان آلوده شد که لیلای و نهار آکاری جز آن نداشت و همین بود علت مرگ او که تندی عرق کبید او را زیان رسانید . »

* * *

محمد تقی میرزا برادر صلیبی ناصرالدین شاه چهارمین رکن الدوله دوره قاجاریه است . این شاهزاده در ۱۲۷۳ به حکمرانی طهران منصوب گردید و در ۱۲۸۳ رکن الدوله لقب گرفت و حاکم خمه شد . پس از چندی از این سمت برکنار و مجدداً در ۱۴۸۹ به حکومت همان محل انتخاب گردید . در ۱۲۹۳ به فرمان فرمائی خراسان برگزیده شد و مدتی بعد به طهران آمد و باز در ۱۲۹۷ با همان سمت مراجعت نمود . سال بعد حاج میرزا حسین خان سپهسالار به جای او مأمور خراسان شد و در همین مأموریت بدرود زندگی گفت . پس از فوت سپهسالار باز رکن الدوله مأمور خراسان شد و در ۱۳۰۰ که او والی خراسان و سیستان بود ناصرالدین شاه به عزم زیارت و عتبه بوسی حضرت رضا علیه آلاف التحية والثناء به مشهد مقدس رفت .

کلنل استیوارت انگلیسی که در همین تاریخ در مشهد اقامت داشته است راجع به ورود شاه به مشهد مقدس و طرز رفتار او با برادرش چنین مینویسد :

« طرز رفتار شاه با برادرش هنگام ورود به شهر همه مستقبلین را به حیرت انداخت دم دروازه شهر همین که والی از اسب پیاده شد و طبق معمول ایران مثل مهتر رکاب اسب

اعلیحضرت را گرفت ، شاه به جای این که بیشتر از یکی دوسه قدم او را اجازه پداده روی ندهد تا وسط شهر که در حدود نیممیل راه است نه فقط به او اعتنائی نکرد بلکه اسبش را هم به سرعت راند تا والی اجباراً دنبال شاه بدود و چون مرد تنومندی است به نفس بیفتد . مردم مشهد با مشاهده این وضع میگفتند والی ایالت آنهم شاهزاده و برادرشاه وقت که این طور نسبت به اعلیحضرت تمکین میکند تکلیف سایر رجال خراسان معلوم است .

محمد حسن خان اعتماد السلطنه از محمد تقی میرزا رکن الدوله چنین توصیف می کند :

« شاهزاده آدم خوبی است اما خلقتاً بسیار زشت است و عظیم جثه ، به حدی که شاهزاده را از ترکیب انسانی خارج کرده . صورت هم بسیار قبیح است ، ابرو های درشت پرمو ، سبلتین کلفت سیاه ، چشم از اندازه خارج ، دماغ گنده و بی قاعده . اما خلقتاً بسیار عاقل ، خوش رو ، عامل ، صرفه جو . شاهزاده پسر محمد شاه است و والده اش از نجبای افشار اورمیه است . صیغه بوده .

مدتی حکومت طهران اسماً با او بود اما وزرای بزرگ مثل میرزا موسی و غیره اداره میکردند . بعد حکومت خمه یافت در خمه خیلی عاملی کرد ، مایه خوبی اندوخت . درست به عقل شاهزاده برخوردیم ، آدم بی عقلی نیست .»

محمد تقی میرزا در ۱۳۰۳ به ریاست مجلس شورای دولتی منصوب و سال بعد باز والی خراسان شد . لاردرکن سیاستمدار معروف انگلستان میگوید :

« هنگامیکه در مشهد بودم با والی خراسان محمد تقی میرزا رکن الدوله برادرشهریار ایران ملاقات کردم . این شاهزاده آدم ملایم و آرامی است و میگویند وزیر او از طرفداران جدی روسهای تزاری است . من بعد از تعارفات رسمی و معمولی از شاهزاده پرسیدم که آیا به عقیده او احداث راه آهن در ایران عملی و مقدور است یا اینکه انجام این امر متضمن مشکلاتی خواهد بود .

وی در جواب اظهار داشت که البته اگر خدا خواسته باشد این عمل به سهولت انجام خواهد پذیرفت ولی برای آزمایش صلاح در این است که اول بین تهران و قم راه آهن کشیده شود از معادن خراسان که صحبت به میان آمد شاهزاده گفت این منطقه معادن زیادی دارد و معدن طلا و نقره و سرب و مس و زغال سنگ در خراسان به حد وفور یافت میشود . از شاهزاده پرسیدم که آیا مردم ایران از پذیرائی های مجلل و با شکوهی که در کشور های اروپا مخصوصاً در انگلستان از اعلیحضرت شهریاری بعمل آمده است اطلاع کامل دارند یا این که از جریان آن بی خبر میباشند ؟

شاهزاده گفت البته مردم عوام و بازاری از شرح ماوقع مطلع نیستند و فقط طبقه متنوره کشور به جزئیات امر واقفند ولی سفر نامه اعلیحضرت شاه که چاپ و منتشر شد همه بلا استثنا استحضار حاصل خواهند کرد . رکن الدوله در ظرف پانزده سال گذشته چندین بار والی خراسان شده و

در فواصل بالنسبه کوتاهی به مرکز احضار گردیده است . ولایه و حکام را به علت تخلف و تخطی از مقررات قانونی منفصل نمیکنند و هر وقت که یک نفر دواطلب احراز مقام آنان شد و پیشکشی بیشتری به شاه و صدراعظم ایران تقدیم کرد بلافاصله حکم انتصاب او صادر و حکمران پیش از کار برکنار خواهد گردید.

محمد تقی میرزا رکن الدوله در اواخر ۱۳۰۹ با تقدیم پنجاه هزار تومان پیشکشی والی فارس شد ولی در اثر اختلاف با متنفذین محلی و بروز اغتشاش در شیراز و سایر نقاط یک سال بیشتر دوام نیاورد و حسین قلی خان نظام السلطنه مافی به جای او به فارس رفت. رکن الدوله که از مأموریت اول خود نتیجه‌ای نگرفته بود یکصد و پنجاه هزار تومان به شاه تقدیم نمود و مجدداً در ۱۳۱۱ به سمت والی فارس و بنادر بحر عمان روانه شیراز شد.

این بار فصیح‌الملک شوریده به اشاره متنفذین محلی که از حمایت مسعود میرزا ظل السلطان برخوردار بودند پائینات ادیبانه از رکن الدوله شروع به نقادی کرد. با دنجان دورقاب چین‌ها موضوع را به شاهزاده خبر دادند و رکن الدوله حکم به قطع مقرری سرکاری شوریده داد. شاعر هم که حربای جز قلم و افکار شاعرانه نداشت قصیده‌ای در هجو والی به رشته نظم کشید که به سرعت در افواه افتاد و همه جا نقل مجلس شد. رکن الدوله که در مأموریت اول خود به فارس محمد رضا خان قوام‌الملک را به چوب بسته بود از مجازات شاعر شوریده‌ای بیم و هراسی نداشت و بهمین لحاظ مصمم گردید که فصیح‌الملک را تنبیه بدنی کند. یکی دو نفر از خیر خواهان میرزا محمد تقی شوریده را از چگونگی آگاه ساختند و شاعر نابینای فارس شبانه به قصد طهران خائفاً یترقب از شیراز خارج شد.

بدیهی است میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدراعظم وقت مقتضی نمیدانست که برای تشفی خاطر شوریده شاعر برادر شاه را که در ظرف دو سال گذشته دوست و پنجاه هزار تومان دم‌جا سلفیده بود از فرمانفرمایی فارس برکنار نماید ولی البته میتواند شاعر نامدار شیراز علین طراز را با صلح و نوازش راضی کند. پس از رفت و آمد مکرر شوریده به منزل صدراعظم و پذیرایی‌های گرم حواشی امین السلطان از او شایع شد که دولت قریباً والی فارس را برکنار خواهد ساخت.

در همین اوان بین شاهزاده والی و مستشار الملک (میرزا شفیع خان مستوفی) پیشکار فارس نیز بر سر تعیین حکام محلی بهم خورد و شایعه عزل رکن الدوله قوت گرفت. عبدالله مستوفی میگوید :

« شوریده به امید عزل رکن الدوله در طهران به فراق زن و فرزند مبتلا بود و اکثر در مجالس تفریح هفتگی ما شرکت میکرد. یک روز جمعه در شهر منتشر گردیده بود که ظل السلطان پسر ناصرالدین شاه ، والی فارس و رکن الدوله معزول شده است . شوریده که در جلسات هفتگی شرکت داشت قصیده‌ای را که دو شعر اولش به قرار ذیل بود :

شیر زبان بردید گاو شکم گنده را
خواست که از لاش او قلیه دهد بنده را

دندهٔ رکنی شکست تاب و توانش برفت سنگ مکافات دهر خرد کند دنده را
 فی المجلس ساخت که بقیه را بعد تمام کند . در جلسات آینده سخنی از این قصیده به
 میان نیامد و چون خبر عزل رکن الدوله بی اساس بود تصور میشود قصیده هم ناتمام مانده و این
 دو شعر هم فراموش شده باشد و مسلماً در دیوان آن مرحوم نیست»
 طرفداران رکن الدوله ناگزیر برای ابقای والی به فاطمه خانم انیس الدوله همسر
 سوگلی ناصرالدین شاه متوسل شدند و به ظن قریب به یقین مبلغی هم مایه رفتند و او عریضه‌ای به
 این شرح به شاه نوشت :

«قربان خاک پای مبارکت کردم جواب عریضه رکن الدوله را مرحمت نفرموده‌اید
 آدمش مطالبه میکند . دستخط در عریضه مزین التفات فرمائید . باری شنیدیم که حکومت شیراز
 را باز تغییر داده‌اید و الله خیلی تعجب است که بیچاره رکن الدوله هفت ماه است رفته با آن همه
 خسارت ، اگر برای پیشکش است از خود شاهزاده بگیرید و خودش باشد . این طورها که پدر
 رعیت بیچاره درمی‌آید . رعیت همین طور تمام میشود . حاکم که از خودش نمیدهد ، دور از
 مروت است از همه جهت بیچاره‌ها تمام شده‌اند . عریضه را بدست کسی ندهید محرمانه ملاحظه
 فرموده پس بدهید خواهی بی‌آورد .»

دستخط ناصرالدین شاه در صدر عریضه به این شرح است :

در رکن الدوله حاکم است جواب عریضه اش را هم باتلگراف دادیم دیگر جوابی ندارد
 که داده شود .»

محمد تقی میرزا رکن الدوله در اوایل ۱۳۱۴ از فرمانفرمایی فارس معزول گردید و
 میرزا اسدالله خان ناظم‌الملک دیبا که قبلاً وکیل‌الملک لقب داشت و سفیر ایران در روسیه و
 اسلامبول وزیر مختار ایران در سن پترزبورغ بود والی فارس شد . رکن الدوله در ۱۳۱۵
 باز بسمت فرمانفرمایی خراسان منصوب گردید و دورهٔ حکمرانی او تا ۱۳۱۸ که به سرای
 باقی شتافت بطول انجامید . پس از فوت محمد تقی میرزا رکن الدوله بازماندگان او به مرکز
 احضار و مورد تفقد مظفرالدین شاه واقع شدند . و لقب رکن الدوله به علینقی میرزا فرزند ارشد
 وی اعطا گردید .

* * *

علی‌نقی میرزا رکن الدوله پنجم در ۱۳۲۱ بسمت والی خراسان برگزیده شد و
 پس از یک سال با همین سمت به کرمان رفت . دورهٔ حکمرانی رکن الدوله در کرمان
 تا ۱۳۲۳ ادامه یافت و در آن تاریخ عزیزالله میرزا ظفرالسلطنه به حکمرانی آن ایالت
 انتخاب شد .

* * *

محمد علی میرزا برادر علی‌نقی میرزا هم بعدها به رکن الدوله ملقب گردید که پس از
 الفای القاب نام خانوادگی رکنی را برای خود انتخاب کرد . محمد علی میرزا رکن الدوله
 داماد مرتضی‌قلی خان صنیع الدوله بود و مهدی‌قلی خان هدایت (حاج مخبرالسلطنه) در کتاب

خطرات و خطرات گاهگاه به نام او اشاره کرده است،

بمنظور ترمیم فایده این گفتار به نقل شرح حال علی نقی میرزا رکن الدوله که در شماره پنجاه و پنجم مورخ ربیع الثانی ۱۳۱۹ روزنامه مصور شرافت بطبع رسیده است مبادرت میشود تا ضمناً نمونه‌ای هم از سبک و سیاق نگارشات روزنامه‌های دوره قاجاریه به دست داده باشد :

«نواب مستطاب اشرف اکرم والا شاهزاده علی نقی میرزا رکن الدوله ابن نواب غفران مآب مبرور، حمدتقی میرزا رکن الدوله از بنی اعمام عظام سلطنت عظمی در سنه یکهزار و دو بیست و هفتاد و هشت متولد شده‌اند و از مبادی حال به کسب کمال اشتغال جسته نقد عمر گرانمایه را دمی تلف نکردند و از تحصیل شرف آئی نیآسودند و کراست نسب را به فضایل مکسب همواره پیرایه دادند. در علوم عربیه و فنون ادبیه و فنون شعر و انشاء رسایل فارسیه و عربیه و تواریخ عرب و عجم و علم تفسیر حظی وافر و اطلاعی وافی یافتند.

در فن جغرافی و زبان فرانسه و سایر معلومات مفیده عصر جدید مهارتی بسزا حاصل نمودند. از ملکات سنیه و فضایل نفسانیه که ملازم حسن سیاست و شرط مهتری و ریاست است به حزم و حلم و کفایت و کفالت امور و حسن معاملات و رعایت مجاملت با جمهور ناس اشتهار و اختصاص یافتند.

با این جمله سرمایه موهوبی و مکسوبی قدم در دایره خدمت دولت نهادند. در سنه یکهزار و دو بیست و هشتاد و نه که پدر بزرگوارشان، مرحوم شاهزاده رضوان و ساده رکن الدوله به حکومت ولایات خمسه منصوب شدند ایشان به نیابت حکومت برقرار بودند و به اقتضای حسن خدمت از طرف دولت به اعطای یک قطعه گل کمر الماس سرفراز شدند (خوانندگان محترم توجه فرمایند که حضرت والاد در آن تاریخ سیزده سال بیشتر نداشتند ۱۱۱) در سنه هزار و دو بیست و نود و هفت که شاهزاده مرحوم طیب الله رمسه به ایالت خراسان و سیستان برقرار بودند ایشان در ولایت سبزوار حکمرانی مینمودند و پانصد تومان نقد و یکصد و بیست خروار جنس غله به صیفه موجب و جیره در حق ایشان مقرر و مرتب آمد. در سال ۱۲۹۹ که ثانیاً ایالت جلیله خراسان و سیستان به پدر بزرگوارشان واگذار شد ایشان به منصب «جنرال آجودانی حضور» نایل و به حکومت جوین و سبزوار منصوب گردیدند.

در سنه هزار و سیصد و یک در ایالت شاهزاده مرحوم به خراسان حکومت نیشابور به عهده نواب مستطاب مفوض آمد و در سال مسافرت موبک شاهنشاه شهید مبرور نوزاد مضعه به خراسان که حدود هزار و سیصد بود نواب ایشان به منصب سر تپیی اول نایل و ریاست کلیه قشون مملکت خراسان به عهده کفایت ایشان واگذار و یک قبضه شمشیر مرصع از درجه دوم از طرف قرین الشرف سلطنت درباره ایشان مرحمت شد.

بعد که از خراسان به دربار دولت احضار شدند در سال هزار و سیصد و چهار به حکومت قم و ساوه و زرند و شاهسون بغدادی منصوب و به خلعت ترمه شمس الماس از ملابس خاصه تن پوش خسروانی مخلع گردیدند و مدت هفده ماه در آن ولایت از روی قاعده عدالت و حسن سیاست حکمرانی نموده احضار به دربار شدند و پدر بزرگوارشان شاهزاده مرحوم کرة آخری به

ایالت و فرمان‌گذاری خراسان منصوب گردیده نواب مستطاب ایشان در هزار و سیصد و پنجاه هزار تومان اضافه مواجب از طرف دولت نایل و در جمعیت ایالت روانه خراسان شدند.

در سنه ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ به حکومت سبزوار و مضافات برقرار بودند و به پاداش حسن خدمات از طرف سلطنت به اعطای یک قطعه نشان تمثال مبارک ناصری سرافرازی حاصل نمودند. بعد احضار به دارالخلافه شده در ۱۳۰۹ که شاهزاده میرور به ایالت فارس منصوب و مأمور بودند نواب معظم در جمعیت ایالت مصدر خدمات شایان در آن مملکت گردیده به منصب جلیل امیرتومانی و حمایل و نشان مخصوص آن نایل و به لقب عین‌الملکی ملقب شدند و حکومت کوهگیلویه که بهبهان و مضافات باشد و حکمرانی ایل ممسنی اختصاصاً به عهده کفالت ایشان مفوض بود.

پس از آن احضار به دربار شده در سال ۱۳۱۱ که دیگر بار ایالت فارس به نواب غفران مآب رکن‌الدوله واگذار شد نواب مستطاب ایشان به نیابت ایالت فارس مأمور گردیده مدت هفت ماه قبل از ورود پدر بزرگوارشان با کمال حسن در آن مملکت حکمرانی نمودند و به خلعت تنبوش خسروانی با شمس مرصع مخلع شدند.

در اواخر همان سال ریاست قشون مملکت فارس و حکومت لارستان و ایلات خمسه و ممسنی به عهده ایشان واگذار شد و یک هزار و پانصد تومان اضافه مواجب در حق ایشان مرحمت و مبدول آمد و یک ثوب پالتوی سردوشی الماس از تشریفات خاصه فاخره نیز به افتخار نواب معظم ارسال فارس گردید. پس از آن احضار به دارالخلافه شده در سنه ۱۳۱۵ که ایالت جلیله خراسان و سیستان به پدر بزرگوارشان مفوض آمد ایشان نیابت ایالت یافته حکومت سبزوار و جوین و کوه سرخ نیز در اداره خاصه ایشان بود و در طی این حکومت تشریف شریف خسروانی با شمس مرصع از ملابس خاصه تنبوش همایون شاهنشاهی به افتخار ایشان اعطا و ارسال خراسان شد.

در سنوات هزار و سیصد و شانزده و هفده و هیجده حکومت سبزوار و مضافات را داشتند. در اواخر سال ۱۳۱۸ که پدر بزرگوارشان در ارض اقدس خراسان به رحمت ایزدی پیوستند نواب مستطاب ایشان و سایر اخوانشان احضار به دارالخلافه شده به حضور مهر ظهور همایون شاهنشاهی مشرف و به شمول الطاف و مرحام بیکران خسروانه سر بلند و مپاهی گردیدند و از قرار فرمان مهر لیمان همایون لقب جلیل رکن‌الدوله و تمام امتیازات مرحوم والدشان ارثاً و استحقاقاً به نواب ایشان مبدول و مرحمت شد و از طرف قرین الشرف سلطنت بموجب شرح فرمان جهان مطاع مجاز گردیدند که در مواقع و مجالس رسمیه پیکر افتخار خود را به تمام امتیازات رکن‌الدوله بیارند و تتمیم مکرمت و مرحمت خسروانی را یک ثوب پالتو با سردوشی الماس از تشریفات فاخره خاصه و هشتصد تومان اضافه مواجب نیز در باره ایشان اعطا فرمودند و در سلك منتسبین خاص سلطنت عظمی و شاهزادگان گرام منزلت و مقامی خاص به ایشان ارزانی داشتند.